

جیب‌های خالی مردم و تزریق پول به بانک‌ها

سرمایه‌داری دیگر راه‌حلی ندارد



علیرضا ثقفی

بحث اصلی من مساله وجود وال‌استریت به عنوان یک جنبش همگانی است. تفاوتی اساسی میان جامعه‌شناسی دانشگاهی و جامعه‌شناسی علمی وجود دارد. جامعه‌شناسی علمی آن نوع از جامعه‌شناسی بود که از فلسفه جدا شد. فلاسفه قدیم عمدتا جهان را تفسیر می‌کردند. از قرن نوزدهم به بعد فلاسفه به این نتیجه رسیدند که جهان را نباید تفسیر کرد بلکه باید تغییر داد. جامعه‌شناسی از نظر علمی باید به فکر تغییر جهان باشد. درحالی که جامعه‌شناسی دانشگاهی ما بیشتر به فکر تفسیر است، بنیان جنبش وال‌استریت بر تغییر جهان است نه بر تفسیر آن. وقتی از تغییر صحبت می‌کنیم منظور اندیشیدن به چیزی است که موجود است، وضع موجود بیانگر ناپسامانی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، اختلافات طبقاتی و نظایر آن است که باید تغییر کند. در جامعه جهانی نوعی اقتصاد انگلی به چشم می‌خورد. جامعه‌شناسی در چنین شرایطی باید وارد شود. اساسا چه چیزی باعث شد که عده‌ای خواهان تغییر وضع موجود باشند. مبنای اصلی جنبش ضدسرمایه‌داری که به راه افتاده، آن است که سلطه بازار مالی حاکم بر جهان موجب بدبختی موجود در جهان است. در آمریکا بیش از ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند. نه‌تنها این عده زیر خط فقر هستند بلکه حتی خود سرمایه‌دارها هم از وضعیت موجود راضی نیستند. نگاهی گذرا به وضعیت تاریخی نشان می‌دهد بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا باز مالی جهان را بر عهده داشت. بعد از این جنگ بود که پول به دولت‌ها منتقل شد. قبل از جنگ جهانی دوم پول در دست بانک‌های خصوصی بود. در سال ۱۹۷۲ به دلیل بحران‌هایی که سرمایه‌داری با آن مواجه شد، رییس‌جمهور آمریکا اعلام کرد دیگر پشتوانه دلار ناپست. در نتیجه به یکباره جیب مردم



وال‌استریت در برابر تی‌پارتی

بحران توفان زایید



فریبرز رییس‌دانا

در وال‌استریت بحران توفان زایید، روی یکی از شعارهای معترضان وال‌استریت نوشته بود: «جهان به اندازه نیاز هرکس دارد ولی به اندازه حرص هرکس ندارد». در همه جای آمریکا شرکت‌کنندگان در جنبش وال‌استریت اندیشمند، هوشیار و آگاهند. گرچه به طور متوسط از متوسط جامعه کمر‌آمدترند. اما از متوسط جامعه درآشناتر و هدفمندترند. آنها نه جامعه خیالی را در سر می‌پروراندند و نه در نوستالژی بازگشت به گذشته‌اند. آنها نقطه مقابل تی‌پارتی محافظه‌کارند زیرا به آینده‌ای شدنی، بهتر و مطمئن‌تر می‌اندیشند. برای آنان ایدئولوژی نظریه را نمی‌سازد و نظریه زندگی را فدا نمی‌کند. برعکس آنها به زندگی شادکامانه، مردمی و آزاد می‌اندیشند و از آنجا‌نظر به می‌گیرند و از آن نظریه‌هاست که به ایدئولوژی مقاومت و مبارزه دست

نمایندگان کنگره هیچ چیز را نمایندگی نمی‌کنند!

■ کچاپ، ۲۲ ساله، دانشجو

این جنبش می‌خواهد پایهای یک دنیای بهتر را بسازد که آرزوی همه ما زندگی در آن است. من همین تازگی‌ها، تحصیل خودم را در رشته تئاتر و ارتباطات در شیکاگو تمام کردم. اما هنوز از دانشگاه بیرون نیامده بودم که من به گفتند منتظر استخدام در هیچ جایی نباشم. رویرو شدن با واقعیت، وقتی ۲۰سال بیشتر سن نداری، در کشوری مثل آمریکا، کار سختی است. هنوز هیچ دری باز نشده، همه در‌ها بسته می‌شوند. چیزی که مردم نمی‌خواهند بفهمند همین بالا گرفتن خشم و نومیدی در برابر بی‌عدالتی و اقتصادی است که پولدارها آن را در دست گرفته‌اند. نمی‌شود قبول کرد که سرنوشت ۹۹ درصد مردم آمریکا، که من هم یکی از آنها هستم، در دست یک درصد ثروتمندترین آمریکایی‌ها باشد. جایی خواندم که ۴۰ درصد نمایندگان کنگره میلیون هستند! این آدم‌ها هیچ چیز را نمایندگی نمی‌کنند! اوپاما به‌شدت مرا سرخورده کرد. من به او رای دادم و امیدم آن بود که بتواند موج تغییراتی را که وعده‌اش را داده بود، ایجاد کند. اما خود او هم به دام افتاد.



خالی شد. تمام کشورهای سرمایه‌داری به هر میزان که می‌خواستند پول چاپ کردند. کار به جایی رسید که خود پول نه به عنوان وسیله مبادله کالا، بلکه فی‌نفسه به ارزش بدل شد. پس هرگاه سرمایه‌داری با بحران مواجه می‌شد، می‌کوشید آن را با پول جبران کند. تزریق پول به هر وسیله ممکن صورت می‌گرفت. نظام سرمایه‌داری به راحتی این پول را در دست بازار مالی جمع می‌کرد. همین اتفاق در ایران هم رخ داده است. یارانه‌هایی که دولت در یک سال گذشته داد به راحتی در بازار مالی جمع می‌شود. یعنی بازار مالی و بورس ما که قبل از یارانه‌ها کمتر از ۱۰۰ میلیارد دلار در گردش داشت با یارانه‌ها به ۱۴۰ میلیارد دلار رسید. این یازار به قدری شکستنده است که در همین دو هفته اخیر ۴۰ میلیارد دلار سقوط کرد. در نتیجه این فرآیند بازار مالی به صورت انگلی بر جامعه درآمد. یکی از مسایل اصلی دیگر صدور سرمایه بود. سرمایه‌داری از ۱۹۹۰ آغاز به صدور سرمایه کرد. اما بازار مالی به جایی رسید که این انگل دیگر توان ارتزاق نداشت. حبایی ایجاد شده بود و یکباره به صورت انگلی بر جامعه‌ها شکست. خانهای که ۷۰۰هزار دلار بود به ۳۰۰هزار دلار رسید. حباب ترکید. ترکیدن حباب اولین گام برای حضور بحران جدید بود. سرمایه‌داری کوشید با تزریق پول وضع را بهبود بخشد، اما این‌بار سیاست تزریق پول رفته‌ها مشکل را حل نکرد بلکه به آن دامن زد. کار به جایی رسید که خود طرفداران نظام سرمایه‌داری خواستار بازگشت سرمایه‌های صادره شدند. سیر تاریخی بحران به‌طور گذرا از این قرار بود. بازار مالی با وضعیتی دشوار مواجه شد. گندیدگی این نظام به حدی است که بخش‌هایی از این نظام به بن‌بست رسیده‌اند. اکنون بازگشت به دوران قبل و بازار رسمی سرمایه نه‌تنها برای کارگران که برای خود سرمایه‌داران نیز آرزو شده است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شغل رسمی بود ۸۰-۷۰ درصد نیروی کار وجود داشت ولی از سال ۱۹۹۱ به بعد تمام شغل‌های رسمی به قراردادهای موقت تبدیل شده است. سرمایه‌داری از دو دهه گذشته مجبور شد بسیاری از امتیازهایی را که پس از جنگ جهانی دوم با آکاره به کارگران و مزدبگیران اعطا کرد، پس بگیرد. همین قضیه در مورد خود سرمایه‌داری رسمی هم به وجود آمد. یعنی اقتصاد بازار رسمی، به یک اقتصاد بازار قاقاقی و غیررسمی و بازار مالی و انگلی تبدیل شد. در دوران اخیر با حاکمیت بازار مالی اقتصاد رسمی به‌طور کامل تحت فشار قرار گرفته است. اقتصاد انگلی شبیه وضعیت اشرافیت فئودالی در اواخر عمر خود شده است. این اقتصاد انگلی نه سرمایه‌داران را راضی می‌کند و نه کارگران زحمت‌کش را. در مبارزات جدید سازماندهی، خواسته‌ها و روش کار با آنچه در گذشته بوده تفاوت دارد. همه چیز نشان از آن دارد که سرمایه‌داری دیگر راه‌حلی ندارد. در پرتغال سه میلیون نفر بیرون ریخته‌اند. به همین سیاق در اسپانیا، فرانسه و انگلیس، این مسالهای است که باید حل شود.

فدرال است. مبارزه با فساد و مداخله‌های رانتی را در سر می‌پرورد. خواهان جدی و سرسخت قطع سیستم تأمین دفاعی برای شرکت‌ها و قطع کمک مالی به بانک‌هاست که تاکنون در زمان بوش و اوپاما هر دو به بیش از سه‌هزارمیلیارد دلار رسیده است. شگفت آنکه راست یوپولیستی یعنی تی‌پارتی نیز این حرف‌ها را تکرار می‌کند اما هدف آن بازگشت به یک فضای اقتصادی و سیاسی است که تغییرات اخیر را برای بازگشت به فضای دهه‌های میانی قرن بیستم می‌خواهد - که به ویژه پیش از حرج بوش حاکم بود - منهای برخی مداخله‌های رفاهی دولت کلینتون. اما جنبش وال‌استریت قاطعانه خواهان تجدیدنظر اساسی در همه سیاست‌های آغازشده از زمان ریگان است که در آن سرمایه‌داری به رهبری ریگان و تاجر با بیشترین قوا به حیطه محرومان و نیروی کار حملهور شد و رشد هر چه ناعادلات‌تر و سیاست‌های نظم نوین جهانی، تعدیل ساختاری و نئوساوت‌گرایی را تثبیت کرد. جنبش وال‌استریت بیانگر خشمی است که بخش اعظم مردم آمریکا و بنا به قول‌هایی بیش از ۹۰ درصد مردم نسبت به قدرت ویرانگر وال‌استریت به‌ویژه در سه، چهار سال اخیر پیدا کرده‌اند. اوپاما که با شعار «تغییر» با به عرصه رقابت انتخاباتی گذاشته بود و پیروز هم شد در واقع کاری نکرد جز جلوگیری از «تغییر». جنبش وال‌استریت اگر ادامه یابد ناگزیر از روش نه‌اجمی در عرصه آگاهی‌رسانی و اجتماعی است. اکنون کسانی از بافشاری بر وجوه مشترک راست‌مبانی نوستالژیک (یا همان تی‌پارتی) و جنبش چپ پیشینه‌دار وال‌استریت صحبت می‌کنند و تظاهرات کنندگان را بر آرایه‌برنامه مشترک فرامی‌خوانند. من گمان نمی‌کنم اولی اساسا بتواند احیا شود و به آرزمان‌های

اندیشه

تنها راه‌حل، انقلاب جهانی است

بهشت دروغین سرمایه‌داری



محسن حکیمی

این جنبش پرچمی را در سایات خود گذاشته که من آن را ترجمه کردم. «جنبش تصرف وال‌استریت یک جنبش مقاومت بدون رهبری است با مردمی از رنگ‌ها، جنسیت‌ها و باورهای سیاسی مختلف. ما برای رسیدن به اهداف خود از راهکار انقلابی بهار عربی استفاده می‌کنیم و برای به حداکثر رساندن ایمنی تمام شرکت‌کنندگان در این جنبش کاربرد عدم خشونت را در پیش می‌گیریم. این جنبش به مردم واقعی اختیار می‌دهد که جامعه را تا پایین تا بالا تغییر دهند. ما می‌خواهیم در هر خانه و در هر گوشه از خیابان مجمع عمومی تشکیل شود زیرا نه به وال‌استریت نیاز داریم و نه به سیاستمدارانی که می‌خواهند برای ما جامعه بهتری بسازند. تنها راه‌حل انقلاب جهانی است.» نقاط قوت این جنبش آن است که این جنبش یک جنبش ضدسرمایه‌داری است. برای اولین‌بار است که جنبشی صریحا سرمایه‌داری را نشانه رفته، ترکیب این جنبش عمدتا از بیکاران، زنان، دانش‌جویان و بی‌خانمان است. بر اساس آماری که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ارائه داده است، نرخ بیکاری در آمریکا حدود ۱۸ درصد است. برخلاف تصور عموم در مورد نقش زنان در جوامع پیشرفته باوجود برخورداری از حقوق برابر در واقعیت ستم جنسی همچنان ادامه دارد طبق آمار سازمان بین‌المللی کار نرخ دستمزد زنان در شرایط مساوی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد دستمزد مردان است. عامل دیگر ستم بر زنان آن است که جنبش زنان خواهان تسلط بر امور خود است، به خصوص در مورد سقط جنین. اما در آنجا زمانی به دلیل سقط جنین در زندان بسر می‌برند. همچنین خشونت علیه زن نیز وجود دارد. پس به دلیل مظاهری که سرمایه‌داری به زنان تحمیل کرده یک رکن جنبش را زنان تشکیل می‌دهند. بخش دیگری از جنبش دانشجویان هستند که به دلیل سیاست‌های نولیبرالی دهه‌های اخیر مقروض شده و خواهان رایگان بودن دانشگاه‌ها هستند. نکته مهم دیگر اینکه این جنبش برای اولین‌بار فضاهایی را تحت پوشش قرار داده است. برای مثال در همین اجتماع‌ها بیماران را تحت پوشش قرار می‌دهد یا به بی‌خانمان‌ها و غیره توجه می‌کنند. یکی از نقاط مثبت جنبش آن است که این مسایل را تحت پوشش قرار داده است. بدنه اصلی جنبش در اعماق جامعه خوابیده است. به همین دلیل است که می‌گویند ما ۹۹ درصد هستیم. عامل قوت دیگر جنبش آن است که صنفی‌دندی ۹۹ درصد در مقابل یک درصد یک صنفی‌دنی طبقاتی است؛ یک طبقه کارگر در مقابل طبقه سرمایه‌دار. برخلاف در دهک‌های پیشین از طبقه کارگر ما با یک جمعیت ۹۹ درصدی از طبقه کارگر روی‌روییم. پس این جنبش در یک دیمی ما را از طبقه کارگر زیر سوال برده است. بعد از اوج‌گیری بحث‌های پست‌مدرنیسم که مدعی آب رفتن طبقه کارگر در آمریکا بودند و طبقه کارگر را در

مردمی جنبش وال‌استریت وفادار می‌اند. جنبش وال‌استریت باید به جمع‌آوری تجربه، سازماندهی، نگاه بلندمدت و نه‌اجم آگاهی‌بخش و تداوم مبارزه در لایه‌های زیرین، مبانی و تبعیض‌دیده جامعه بپردازد. تی‌پارتی کاملا با حزب جمهوری‌خواه و بیشتر با جناحی از آن همساز است. اما جنبش وال‌استریت از حزب دموکرات و عده‌ها و جهت‌گیری‌های متناقض این حزب و رییس‌جمهور اوپاما سرخورده است. دموکرات‌ها برای نفوذ و بهر‌ببرداری انتخاباتی البته به شدت کار می‌کنند اما اساس جنبش وال‌استریت متعلق به حزب دموکرات نیست. اخیرا برخی روزنامه‌نگاران مطالبی در مورد وابستگی جنبش وال‌استریت به جناح اوپاما منتشر می‌کنند. این چیزی نیست جز بدخواهی. آنها تمامی جنبش سرمایه‌مبارز را نیز توطئه قلمداد می‌کنند. این خود اصلی‌ترین توطئه برای خلع سلاح ذهنی و ایجاد بی‌اعتمادی در صفوف جنبش است. جریان‌های آگاه در جنبش وال‌استریت ساده‌انگاری نمی‌کنند که در اولویت‌شان تی‌پارتی را دشمن اصلی تلقی کنند. آنها می‌دانند چه نیرویی را در کجا و در کدام مسیر به کار گیرند. در جنبش وال‌استریت به جز مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها، آنارشیزست‌ها، رادیکال‌ها، لیبرال‌های سیاسی، دموکرات‌ها و تی‌پارتی‌ها هم حضور دارند. تدبیر برای همکاری و سازماندهی مستقل کار دشواری است اما بسیاری به این نکته اندیشیده‌اند. جریان‌های راست مانند تی‌پارتی در واقع از مشکلات و ناپسامانی‌های اقتصادی و نابرابری نژادی بهره‌گیری می‌کنند تا به آنچه تضعیف دولت می‌نامند برسند. اما همین دولت در همان حال از جنبه دفاع از محرومان و رفاه اجتماعی تضعیف می‌شود و نه در حراست از نابرابری‌ها و نظام بهره‌رکنشی

بخش صنعتی خلاصه می‌کردند، این جنبش در عمل نشان داده چیزی که به عنوان طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری بر خاسته است، فقط به طبقه کارگر صنعتی منحصر نمی‌شود. معلمان، پرستاران و بی‌خانمانان جزو طبقه کارگرند. بنابراین این یکی از نقاط قوت جنبش است چرا که تعریف جدیدی از طبقه کارگر را ارائه می‌کند. البته تعریف چندان هم نو نیست بلکه تعریفی است که زیر خروار‌ها آوار سرمایه‌داری رفته بود. یکی از خواسته‌های جنبش تغییر از پایین تا بالا است. نکته دیگر برگزاری مجمع عمومی در سراسر جامعه است. فعالان جنبش قصد دارند در چهارم جولای تدارک یک مجمع عمومی سراسری را در آمریکا ببینند. این جنبش همچنین در پیوند با جنبش‌های دیگر در اروپا بیانگر نوعی انقلاب جهانی است. یونان، ایتالیا، اسپانیا و دیگران هم در معرض بحران جهانی قرار خواهند گرفت. بیشتر این کشورها بیش از ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود به‌هکاری دارند. آمریکا باید تا حدود ۱۵ سال دیگر هرس‌سال ۲۰ درصد از بودجه‌های رفاهی مردم را کم کند تا سال ۲۰۲۶ به ۶۰ درصد برسد. این جنبش دو نقطه قوت دیگر دارد: ۱- رهایی از سلطه احزاب و اتحادیه‌های سنتی ۲- این جنبش به کسانی که وعده لیبرال‌دموکراسی به ایران می‌دهند، نشان داد این نظام یک بهشت دروغین است که نمی‌تواند الگوی ما باشد. الگوی ما باید فرارفتن از لیبرال‌دموکراسی باشد. البته جنبش اشغال وال‌استریت نقاط ضعفی هم دارد که به‌طور گذرا به آن اشاره می‌کنم. این جنبش، یک جنبش متشکل و خودآگاه و پیوندخورده با جنبش کارگران شاغل نیست به همین دلیل توان لازم را برای به زانو درآوردن سرمایه‌داری ندارد. ضعف دیگر این است که سرمایه را یک رابطه اجتماعی نمی‌داند و آن را در نهادهای مالی خلاصه کرده است. ضعف دیگری اینکه در مورد قدرت دولت نوبت متوهم است. این خود ناشی از این تفکر است که جنبش مرزبندی مشخصی با سرمایه‌داری ندارد. آخرین ضعف آن اینکه این جنبش برای رسیدن به اهداف خود باید یک منشور مطالباتی داشته باشد و آن را از آمریکا مطالبه کند، با این هدف که توان مادی و فکری خود را افزایش دهد و با سرمایه‌داری مبارزه کند.



www.anthropology.ir منبع/ ۲۰ ۱۱ اکتبر/ ۱۴

و نئومپریالیستی. جنبش وال‌استریت به درستی غول‌های مالی را نشانه گرفته است. به درستی خواهان دولت دموکراتیک و مردمی است. در خواست عدالت، شغل عادلانه، جلوگیری از اسراف، مخالفت با جنگ‌طلبی، مخالفت با نابودکردن مواد غذایی، همه و همه خواسته‌های جنبش وال‌استریت است. این جنبش با آگاهی خوب و رشد‌یابنده دانسته نظام بهره‌کنشی که اریستوکراسی و الیگارشی غول‌آسای مالی جدید بر روی آن مستقر شده، مانع از تحقق آزادی و رفاه و عدالت و مساوی اسلاوی زویک چه گفته بود که سرسخت‌ترین نماینده سرمایه‌داری ایران و سردبیر فلان و بهمان نشریه به اینچنینی او را استهزا می‌کند. ژیزک یک کلام از مدیریت سخن نگفت و فقط گفت نباید به خودمان غره شویم. او گفت ما فقط جان‌مان به لبمان رسیده از این جهان پر از ظلم و ستم. سردبیر ملهم گرفته بود که روشنفکران روح‌فاسد استبداد مدرن بودند و این بی‌نویای فلاکت‌زده وابسته به عقب‌مانده‌ترین سرمایه‌داری سوداگر ایران این واژه را از خود ژیزک دزدیده بود. در حالی که ژیزک گفته بود روح‌فلسد در این مکان حاضر است و آن چیزی جز جماعتی از مومنان برابر و برابر که به واسطه عشق به یکدیگر پیونده خورده‌اند نیست، و شما ببینید که سردبیر فلان نشریه که حتی اوپاما را هم چپ و سوسیالیست می‌خواند، آشکارا و صریح چه کاپوس و خشتکاری برای سرگروب هر منتقدی دیده‌اش و وال‌استریت نماد‌ریشه‌ای علیه نظامی است که این ستم‌گری‌های را تا‌ا ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۱۰ در آمریکا یک درصد از جمعیت ۴۲ درصد از ثروت را در اختیار نداشتند درحالی که ۸۰ درصد از جمعیت ۱۲ درصد از ثروت ملی را در اختیار داشتند.

سرمایه‌داری مالی، بافت اجتماعی آمریکا را نابود می‌کند!

■ کریس کاب، ۴۱ ساله، هنرمند و روزنامه‌نگار آزاد

من از همان روز اول اینجا هستم، از ۱۷ سپتامبر. از وقتی یکی از روزنامه‌نگاران شبکه «فاکس نیوز» اینجا آمد که از ما فیلمبرداری کند، من هم این دوربین فلانی را ساختم که روی دوشم می‌گذارم. شبی که این خبرنگار آمده بود، فاکس‌نیوز گزارشی از تحصن ما پخش کرد که در آن ما را گروهی هببی و آدم‌های حاشیه‌ای نشان می‌داد. دروغی بزرگ در مورد کسانی که ما نمایندگان شان می‌کنیم. فاکس نیوز را باید تا اندازه‌ای نمونه بارزی از همه چیزهایی دانست که در این کشور مشکل پیدا کرده‌اند: یک شبکه تلویزیونی که قدرت مالی آن را در دستان خود دارد و بدون آنکه اهمیتی به اطلاع‌رسانی بدهد صرفا تبلیغات سیاسی می‌کند. حقیقت آن است که آدم‌های دور و بر من دیگر از نظلی که در آن زندگی می‌کنند خسته شده‌اند. نظامی که کاملا زیر سلطه سرمایه‌داری مالی است. همین سرمایه‌داری است که بافت اجتماعی آمریکا را نابود می‌کند. فعالیت‌های این سرمایه‌داری غیرقانونی است و همه‌جا نفوذ کرده است. البته ما راه‌حلی آرمایی برای بحرانی که تجربه می‌کنیم نداریم.



www.anthropology.ir منبع/ ۲۰ ۱۱ اکتبر/ ۱۴

از چشم غربی

اول اشغال کنید

خواسته‌ها در پی‌اش می‌آید



اسلاوی ژیزک

ترجمه: امیررضا گلابی

■ گروه اندیشه: سخنرانی اسلاوی ژیزک در جمع معترضان وال‌استریت در همان اوایل آغاز اعتراضات صورت گرفت. او چنان که با نوشته‌ها و ایده‌ها و مثال‌هایش آشناییم، به بررسی نقاط ضعف و قوت این جنبش پرداخت. ترجمه این سخنرانی را ۲۳ مهر با ترجمه صالح تنقیی در ضمیمه اول هفته روزنامه خواندید. آنچه در پی می‌آید مقاله‌ای است که حدود ۱۰روز پس از آن سخنرانی در گاردین نوشته شده. از آنجا که بخشی از دهک‌های این مقاله با بحث‌های سخنرانی او مشترک بود، متن حاضر تلخیصی شده و بخش‌هایی که در آن سخنرانی نیامده در اینجا ترجمه شده است. ترجمه این مقاله با وجود گذشت یک‌ماه از انتشار آن در گاردین به دلیل اهمیت موضوع ارایه می‌شود.

■ ■ ■

بعد از اشغال وال‌استریت و فراتر از آنچه باید کرد، تظاهراتی که از حاشیه شروع شده اکنون به مرکز رسیده، تجدید قوا کرده و به سراسر دنیا کشیده شده. یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که تظاهرات کنندگان را تهدید می‌کند این است که دچار خودشیفتگی شوند. در هفته‌های اشغال وال‌استریت در سانفرانسیسکو، شخصی با پیام دعوت به پیوستن به جنبش جمعیت را خطاب کرد، به گونه‌ای که گویی قضیه به سبک هیپیه‌های دهه ۶۰ در حال رخ دادن است: «از ما می‌پرستد برنامه‌مان چیست. ما هیچ برنامه‌ای نداریم، ما اینجاییم که خوش بگذرانیم».

کارناوال راه انداختن خرجی ندارد. ارزش واقعی آن وقتی روشن می‌شود که ببینم فرای آن روز چه چیزی از کارناوال باقی مانده و چقدر زندگی عادی‌مان دست‌خوش تغییر شده. معترضان باید شیفته کار سخت و استقامت شوند. آنها آغاز کارند، نه انجامش. پیام اصلی‌شان این است: تلو شکسته شده ما بهترین جهان ممکن زندگی نمی‌کنیم. ما مجازیم، حتی موظفیم که درباره دنیای جایگزین فکر کنیم.

به گونه‌ای از سه‌گانه هگلی، چپ غربی یک دایره کامل را طی کرده: پس از کنار گذاشتن به اصطلاح «تات‌گرایی مبارزه طبقاتی» در مقابل طیف ضد نژادپرستی‌گرایی، فمینیسم و سایر جریان‌ات مبارز، سرمایه‌داری اکنون به‌وضوح به عنوان مشکل اصلی سر برآورده بنابراین اولین درسی که می‌توان آموخت این است: مردم و رفتارشان را سرزنش نکنید. مشکل فساد و طمع نیست، مشکل نظامی است که تو را به سمت فساد سوق می‌دهد. پاسخ «مردم و نه وال‌استریت» نیست، بلکه تغییر سیستمی است که مردم در آن بدون وال‌استریت کارهای نیستند. راه درازی پیش روست و به‌زودی باید به پرسش واقعا دشواری پاسخ بدهیم. نه این پرسش که چه چیزی را نمی‌خواهیم، بلکه اینکه چه چیزی را می‌خواهیم. سازمان‌های اجتماعی چه جایگزینی برای سرمایه‌داری کنونی دارند؟ به چه نوع رهبرانی نیاز داریم؟ چه نهادهایی می‌خواهیم، شامل آنهایی که کمتر و سرگروب می‌کنند؟ واضح است که جایگزین‌های قرن بیستمی به کار نخواهد آمد. گرچه از لذت «مساوی‌نگی‌های هم‌مطراز» از جمعیت‌های معترض با همبستگی برای برابری و مناظرات آزاد سرخوشیم، باید این نوش تهیه کرد، چسرتوتون را مد نظر داشته باشیم: «صرفا داشتن مقایسه با خشونتی که برای حفظ مملکت‌د بی‌دغدغه سیستم سرمایه‌داری جهانی لازم است اصلا به حساب نمی‌آید».

به آنها بی‌عرضه می‌گویند اما آیا بی‌عرضه‌های واقعی آنها بی‌نیستند که در وال‌استریت هستند؛ کسانی که کمک‌های عظیمی (از دولت برای فرار از ورشکستگی) گرفته‌اند؟ به آنها سوسیالیست می‌گویند اما در ایالات متحده هم‌اکنون برای ثروتمندان نظام سوسیالیستی برقرار است. به آنها اتهام زده می‌شود که ارزشی برای مالکیت خصوصی قابل‌نیستند اما سفته‌بازی‌های وال‌استریت که منجر به فاجعه سال ۲۰۰۸ شد، آنقدر کم خصوصی را که صاحبانش با جان آکنند به دست آورده بودند، ناپود کرد که اگر تظاهرات کنندگان شب و روز هم تلاش می‌کردند، نمی‌توانستند فقط به هزاران خانهای فکر کنند که بانک‌ها پس گرفتند.

در مسابقه بوکس، قفل کردن به این معنی است که بدن حریف را با یک یا هر دو بازو بگیریم تا مانع از ضربه زدنش شویم یا ضربه‌هایش را به تاخیر بیندازیم. واکنش بیل کلینتون به تظاهرات وال‌استریت نمونه‌اعلا قفل کردن سیاسی است.

ادامه در صفحه ۱۲